

راهبردهای حکومت اسلامی

در برخورد با مفاسد اداری و اقتصادی؛ با تکیه بر سیره علوی

دریافت: ۱۴۰۳/۸/۳ تأیید: ۱۴۰۳/۹/۲۸
زین العابدین احمدی*
و عبدالله امیدی فرد** و محمدعلی راغبی***

چکیده

الهام‌گیری از آموزه‌ها و سیره امام علی (علیه السلام) می‌تواند مسیر برنامه‌ریزی‌ها و تعیین رویکردهای آینده را اصلاح و به مسیر صحیح هدایت کند و بررسی سیره حکومتی ایشان در دوره کوتاه خلافت، راهبردهای مقابله با فساد اداری و اقتصادی را نمایان سازد. امام علی (علیه السلام) با اتخاذ راهبردهایی؛ مانند پیش‌گیری، نظارت، مجازات‌های بازدارنده و راهکارهایی از قبیل ترویج فرهنگ قناعت و ساده‌زیستی، انتخاب افراد شایسته و متخصص برای مناصب حکومتی، شفافیت در عملکرد حکومت، نظارت دقیق و همه‌جانبه بر عملکرد مدیران، اقتصادی، توزیع عادلانه ثروت و امکانات، نظارت مستقیم و غیر مستقیم بر کارگزاران، تشویق و ترویج نظارت عمومی، وضع قوانین و مقررات در جهت تناسب مجازات با جرم، تسریع در رسیدگی به پرونده‌های مفاسد و قاطعیت در اجرای احکام مفسدان، توانست به طور قابل توجهی با فساد مقابله کند. با مقایسه این راهبردها با برنامه‌های مقابله با فساد در کشور، می‌توان به این نتیجه دست یافت که برنامه‌های موجود با چالش‌هایی؛ مانند عدم عدالت در برخوردها و ناکافی بودن مجازات‌ها روبه‌رو هستند. چالش‌هایی که با اجرای برخی سیاست‌های لیبرالیستی مضاعف شده است و پژوهش حاضر با مطالعه توصیفی - تحلیلی به دنبال یافتن الگویی مناسب برای مبارزه با فساد در حکومت اسلامی است.

واژگان کلیدی

حکومت اسلامی، سیره علوی، مفاسد اداری، مفاسد اقتصادی، نظارت عمومی

* دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق: resleh9718@gmail.com

** دانش‌آموخته حوزه علمیه و عضو هیأت علمی دانشگاه قم: omidifard.f@gmail.com

*** دانش‌آموخته حوزه علمیه و عضو هیأت علمی دانشگاه قم: ma.raghebi@qom.ac.ir

مقدمه

مبارزه با فساد اقتصادی یک امر ضروری برای هر جامعه‌ای است که به دنبال توسعه و پیشرفت است. فساد اقتصادی، مانند موریه‌ای به ارکان جامعه نفوذ می‌کند و پایه‌های آن را سست می‌کند. این پدیده شوم، عدالت اجتماعی را نقض می‌کند و مانعی بزرگ در مسیر توسعه اقتصادی است؛ سلامت اداری را به شدت کاهش می‌دهد، اعتماد عمومی را سلب کرده و امنیت ملی را به خطر می‌اندازد. برای مقابله مؤثر با این پدیده شوم، نیاز به شناسایی راهبردهای جامع و مدون است که با در نظر گرفتن پیچیدگی و ابعاد مختلف فساد اقتصادی، به ریشه‌ها و زمینه‌های آن بپردازد و با اتخاذ تدابیر پیش‌گیرانه، مقابله‌ای و اصلاحی، از تکرار آن در آینده جلوگیری کند. در سال‌های اخیر، اقداماتی در زمینه برخورد با مفاصد اقتصادی در کشور صورت گرفته است، اما تا رسیدن به نقطه مطلوب، فاصله زیادی وجود دارد.

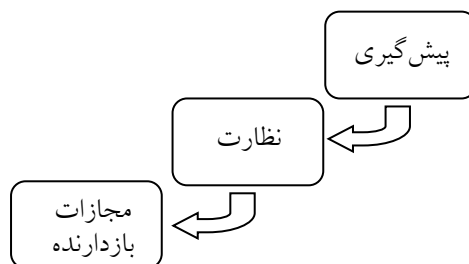
در حال حاضر، فقدان راهبرد مناسب در این مسأله موجب شده است زمینه فساد، کماکان در برخی عرصه‌ها، زمینه ایجاد مشکلات متعدد اقتصادی برای کشور و مردم و هم‌چنین صدمه به حیثیت نظام اسلامی را به دنبال داشته باشد. حال باید پرسید آیا با داشتن تجربه غنی حکومت علوی در برخورد با مفاصد، نمی‌توانیم الگو و راهبردهای مناسبی برای مبارزه با این مفاصد برگزینیم و در عمل به‌کار بگیریم؟ ضروری است رویکرد و سیره علوی در مسأله برخورد با فساد و زمینه‌های آن، مورد بازخوانی قرار گیرد و راهبردهای ایشان استخراج شود.

با شناسایی راهبردها و خطوط اصلی این رویکرد، پژوهش حاضر به تحلیل تطبیقی سیاست‌های کلان و خط مشی‌های قضایی کشور پرداخته و در نهایت، با هدف ارتقای نظام اقتصادی و قضایی کشور، پیشنهادهایی برای اصلاح و تدوین قوانین و احکام قضایی ارائه می‌دهد. نوآوری اصلی این پژوهش در توجه به ابعاد کمتر بررسی شده رویکرد علوی، ارائه یک چارچوب جامع برای تحلیل سیاست‌های ضد فساد و تطبیق یافته‌های پژوهش با چالش‌های کنونی نظام اقتصادی کشور است.

رویکرد حکومت علوی در مبارزه با مفاسد اقتصادی

در دوران کوتاه زمامداری حکومت علوی، امام علی علیه السلام با رویکردی جامع و فراگیر به مبارزه بی‌امان با این پدیده شوم پرداختند و الگویی ماندگار برای نسل‌های آینده به یادگار گذاشتند. ایشان مبارزه با فساد را از ریشه آغاز کرده و بر این باور بودند که پیش‌گیری از وقوع فساد، به مراتب آسان‌تر و کم‌هزینه‌تر از مقابله با آن، پس از وقوع است. امام علیه السلام نظارت مستمر و فراگیر بر عملکرد کارگزاران و متولیان امور را ضروری دانسته و با قاطعیت تمام با متخلفان اقتصادی برخورد می‌کردند و حکومت علوی در مبارزه با مفاسد اقتصادی بر سه رکن اساسی استوار بود: پیش‌گیری، نظارت و برخورد قاطع.

شکل ۱: الگوی مفهومی راهبردهای علوی در برخورد با مفاسد اداری و اقتصادی



پیش‌گیری

پیش‌گیری از مفاسد اقتصادی، ضرورتی انکارناپذیر برای دستیابی به توسعه پایدار و رفاه اجتماعی است. اتخاذ تدابیر پیش‌گیرانه، نه تنها از پیامدهای مخرب فساد جلوگیری می‌کند، بلکه زمینه‌های رشد و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی را فراهم می‌کند. امیر مؤمنان به عنوان الگوی عدالت و حکمرانی، در پیش‌گیری از مفاسد اقتصادی به موارد متعددی اهمیت می‌دادند که از مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

فرهنگ‌سازی

امام علی علیه السلام در طول زندگی خود؛ به‌ویژه در دوران حکومت‌شان، بر ترویج فرهنگ قناعت، ساده‌زیستی و عدالت به عنوان رکن‌های اصلی یک جامعه سالم تأکید فراوانی داشتند. ایشان از طریق روش‌های مختلفی؛ از جمله در سخنرانی‌ها و خطبه‌های متعدد، به مردم در باره فضایل قناعت و ساده‌زیستی و مضرّات حرص و طمع و

تجمل‌گرایی سخن می‌گفتند. ایشان قناعت را ثروتمندترین گنج و زینت دنیا و آخرت می‌دانند (بحرانی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۶۶۴) و می‌فرمایند:

اگر صلاح نفست را می‌خواهی، بر تو لازم است که با میانه‌روی و قناعت و سادگی رفتار کنی (تمیمی آمدی، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۱۹۲).

حضرت در اعمال و رفتار خود نیز الگوی عملی قناعت و ساده‌زیستی بودند. امام علیه السلام معتقد بودند ایمان و تقوا، مهم‌ترین عامل بازدارنده از فساد است (دشتی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۵). هر چقدر ایمان و اعتقاد کارگزاران بیش‌تر و باورهای آن‌ها به ارزش‌های دینی عمیق‌تر باشد، احتمال به‌وجود آمدن فساد اقتصادی کاهش می‌یابد. امام در نامه‌ای به یکی از کارگزاران و مأموران خود، وی را فرمان می‌دهد به تقوا و ترس از خدا در امور پنهانی و اعمال مخفی؛ آنجا که جز خدا هیچ کس شاهد و گواه نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ص ۵۹۷). در جای دیگر، در نامه‌ای به اشعث بن قیس می‌نویسد:

کاری که در دست توست، طعمه و فرصتی برای چپاول نیست، بلکه امانتی است بر گردن تو (هاشمی خوبی، ۱۴۰۰، ج ۱۷، ص ۱۸۷).

در این نامه تلاش می‌کنند تا نگرش اشعث را به عنوان یک کارگزار حکومتی به پست و مقامی که در اختیار اوست، تغییر دهند و او را به این حقیقت رهنمون سازند که قدرت و اختیاری که به او داده شده، تنها امانتی است تا بتواند وظایف محوله را به نحو احسن انجام دهد.

شایسته‌سالاری

در انتخاب افراد برای مناصب حکومتی، صرفاً بر اساس شایستگی و تخصص عمل می‌کردند و از هرگونه تبعیض؛ به‌ویژه نسبت به وابستگان و خویشاوندان، خودداری می‌نمودند. حضرت در خطبه‌ای می‌فرمایند:

ای مردم! سزاوارترین اشخاص به خلافت، آن کسی است که در تحقق حکومت، نیرومندتر و در آگاهی از فرمان خدا داناتر باشد (فیض‌الاسلام اصفهانی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۵۵۹).

هم‌چنان‌که در جای دیگر، تجربه را یکی از عوامل دخیل در انتخاب کارگزار معرفی می‌نمایند:

از عمال حکومت، کسانی را انتخاب کن که اهل تجربه و حیاء‌اند (دستی، ۱۳۸۹، ص ۴۱۱).

و معیارهای شخصی را در گزینش کارگزار نفی می‌کنند:

ای مالک! در کار کارگزارانت به دقت اندیشه کن و پس از این‌که آنان را نیک آزمودی، به کار بگمار. آن‌ها را از روی محبت نابه‌جا و خودسرانه به کاری برگزین که این دو، اساس ظلم، ستم و خیانت است (کورانی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۲۶۰).

حضرت با درک عمیق از حساسیت و ظرافت‌های مدیریت اقتصادی، در انتخاب مدیران این حوزه، نهایت دقت و وسواس را به خرج می‌دادند. ایشان به خوبی واقف بودند که گلوگاه‌های اقتصادی، نقاط بحرانی هستند که می‌توانند زمینه لغزش و سوء استفاده را برای افراد سودجو فراهم کنند. به همین دلیل، نظارت دقیق و همه‌جانبه‌ای بر انتصاب مدیران اقتصادی اعمال می‌کردند و شرایطی خاص را برای تصدی این منصب خطیر در نظر می‌گرفتند.

شفافیت

اصل شفافیت در حکومت علوی، ریشه در باور عمیق حضرت علی علیه السلام به حق آگاهی و مشارکت مردم در امور جامعه دارد. ایشان معتقد بودند شفافیت، علاوه بر افزایش اعتماد عمومی و کاهش فساد، به تصمیم‌گیری‌های جامع‌تر و عادلانه‌تر منجر می‌شود. در راستای شفافیت، دستور داده بودند بیت‌المال و دیوان محاسبات به روی مردم باز باشد و هر کس که می‌خواهد، بتواند به اطلاعات مربوط به آن‌ها دسترسی داشته باشد (دستی، ۱۳۸۹، ص ۴۱۱). در تصمیم‌گیری‌های مهم، مردم را مشارکت می‌دادند و نظرات آن‌ها را می‌پرسیدند. نقدپذیر بودند و از شنیدن انتقادات مردم ناراحت نمی‌شدند (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۶، ص ۵۲۷). در مورد میزان دارایی خود در قبل

و بعد از حکومت فرمودند:

با این لباس‌ها وارد سرزمین شما شدم و بار و بنه‌ام همین است که می‌بینید، اگر از سرزمین شما با چیزی جز آنچه آمده بودم، بیرون روم، پس من از خیانت‌کاران بوده‌ام (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۹۸).

ایشان هیچ‌گاه در امور مربوط به مردم و بیت‌المال پنهان‌کاری نمی‌کردند و بر این باور بودند که مردم حق دارند از امور حکومت خود آگاه باشند (طبری، ۱۴۲۸ق، ج ۳، ص ۴۵۶).

عدالت در توزیع ثروت و امکانات

شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در دوره حکومت علوی به نوعی میراث دوران خلفای دوم و سوم بود. خلیفه دوم، با تأسیس سیستمی مبتنی بر تقدم در اسلام و سوابق خدمتی افراد، نهادینه‌سازی طبقه‌بندی اجتماعی را آغاز کرده بود. بدین معنا که افرادی بدون تلاش و تنها به دلیل سوابق پیشین خود، از امتیازات ویژه‌ای برخوردار می‌شدند. خلیفه سوم، عثمان بن عفان نیز با استناد به این سنت، به والی کوفه نامه‌ای نوشت و در آن تأکید کرد افراد با سابقه و پیشتاز در اسلام که خداوند به واسطه آن‌ها این سرزمین‌ها را فتح کرد، باید از حقوق ویژه‌ای برخوردار باشند (طبری، ۱۸۷۹ق، ج ۵، ص ۲۷۹).

هم‌چنین خلیفه سوم زمین‌ها را بدون در نظر گرفتن سابقه جهاد، به عنوان صلّه رحم به نزدیکان خود؛ به ویژه بنی‌امیه، واگذار می‌کرد (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۹۸). در دوره خلافت او، ثروت جامعه به طور عمده در دست اشراف اموی در گردش بود و این موضوع به وضوح در گزارش‌های تاریخی منعکس شده است (طبری، ۱۸۷۹ق، ج ۵، ص ۳۴۸).

بر خلاف خلفای پیشین، امام علی علیه السلام با هدف برجسته‌کردن منفعت عمومی، با ساختار و گفتمان مرسوم جامعه که مبتنی بر مصلحت خصوصی و اشراف‌سالاری بود، به مقابله پرداخت. در منطق گفتمان امام علیه السلام، بیت‌المال متعلق به تمام مردم بوده و باید

به صورت عادلانه توزیع شود (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۱۰ و مطهری، ۱۳۸۵، ج ۷، ص ۳۱۲). ایشان تصمیم به بر گرداندن زمین‌هایی که خلیفه سوم به دیگران بخشیده بود، گرفتند و فرمودند:

به خدا سوگند، اگر چیزی را که عثمان بخشیده، نزد کسی بیابم، آن را به صاحبش باز می‌گردانم؛ هر چند آن را مهریه زنان کرده باشند یا بهای کنیزکان (سیفی مازندرانی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۲).

در واقع برای کاهش نابرابری‌های اقتصادی و ایجاد عدالت اجتماعی، به دنبال توزیع مجدد منابع و ثروت بین افراد، با هدف کاهش فاصله طبقاتی و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر جامعه بودند. نهادها و قوانینی در زمان خلفا ایجاد شده بود؛ از جمله تقسیم زمین‌های خیر، هدایای ماهانه به افراد خاص، تخصیص خمس برای خود به عنوان خلیفه و... که حضرت برای اصلاح آن‌ها تلاش می‌نمودند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۶۰). بنابراین، به عبد الله بن عباس فرماندار بصره دستور می‌دهد تا بیت‌المال را به طور عادلانه بین مردم تقسیم کند و به خویشان و نزدیکان خود، بیش از دیگران ندهد (طبری، ۱۸۷۹ق، ج ۲، ص ۵۱۴). ایشان علاوه بر این که بخشی از بیت‌المال را علی‌السویه میان عموم مردم تقسیم می‌نمودند، بخش دیگری از آن را صرف نیازهای عمومی و کمک به فقرا و نیازمندان می‌کردند. در نامه‌ای به مالک اشتر، فرماندار مصر، دستور می‌دهد تا بیت‌المال را به طور مساوی بین مردم تقسیم کند و به هیچ کس، بیش از حقش ندهد (دشتی، ۱۳۸۹، ص ۴۱۳). چرا که توزیع عادلانه ثروت و فرصت‌ها در یک جامعه، تأثیر مستقیمی بر کاهش انگیزه‌های ارتکاب جرایم اقتصادی دارد. زمانی که افراد احساس کنند دستیابی به موفقیت از طریق تلاش قانونی و شایستگی امکان‌پذیر است، تمایل کمتری برای توسل به روش‌های غیر قانونی خواهند داشت. علاوه بر این، عدالت اقتصادی به عنوان عاملی کلیدی در تقویت اعتماد عمومی به نهادهای حکومتی و اقتصادی شناخته می‌شود. زمانی که شهروندان احساس کنند قوانین به طور یکسان بر همه اعمال می‌شود و فرصت‌های برابر برای همه فراهم است، اعتماد آن‌ها به سیستم افزایش یافته و در نتیجه، پایبندی به قوانین تقویت خواهد شد.

نظارت

بازرسی در معنای امروزی، به عنوان یک فرآیند جامع تعریف می‌شود که هم کنترل و ارزیابی عملکردها را شامل می‌شود و هم نقاط قوت و ضعف را شناسایی می‌کند. بدون نظارت، دستگاه‌های اجرایی ممکن است از مسیر اصلی خود منحرف شوند یا فساد و ناکارآمدی در آن‌ها ریشه دواند و در حکومت علوی از شیوه‌های گوناگونی برای نظارت بهره می‌برند.

نظارت مستقیم

یکی از جنبه‌های مهم نظارت مستقیم امام علی علیه السلام، حسابرسی و دریافت گزارش عملکرد از مدیران بود. این کار به‌طور منظم انجام می‌شد و امام از این طریق بر عملکرد آنان اشراف داشت. اگر برخی از کارگزاران سهل‌انگاری می‌کردند، با واکنش سریع امام مواجه می‌شدند. نامه امام به یزید بن قیس ارحبی نمونه‌ای از این نظارت است:

تو در ارسال اموال مالیاتی کوتاهی کرده‌ای؛ دلیل این امر بر من پوشیده است، ولی من تو را به تقوای الهی سفارش می‌کنم و از این که با خیانت به مسلمانان، پاداشت را تباه و جهاد خود را بی‌اثر سازی، بر حذر می‌دارم (یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۲۰۰).

بر اساس روایات متعدد، ایشان نظارت مستقیم بر بازار را به عنوان یکی از رکن‌های اصلی سیاست‌های اقتصادی خود در نظر داشتند و در فرصت‌های مناسب، شخصاً در بازار حاضر می‌شدند و بر معاملات و رفتار اصناف نظارت می‌کردند. عبدالله بن عباس نقل می‌کند هنگام بازگشت از بصره، امیر مؤمنان را در بازار، ایستاده دیده که فریاد می‌کرد:

ای مردم! از این پس، هر که را مشاهده کنم که اسبله ماهی، ماهی در آب مرده و مارماهی می‌فروشد، با این تازیانه او را ادب می‌کنم (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۱۳).

در دعائم الإسلام نقل است:

علی علیه السلام در بازارها راه می‌رفت و تازیانه‌ای در دست داشت که با آن،

کم فروشان و نیرنگ‌بازان در تجارت مسلمانان را تنبیه می‌کرد. اصبع می‌گوید: روزی گفتم ای امیر مؤمنان! شما در خانه بنشینید و من به‌جای شما این کار را بر عهده می‌گیرم. فرمود: ای اصبع! برایم خیرخواهی نکردی (ابن حیون مغربی، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۵۳۸).

از امام باقر علیه السلام نقل است که فرمود:

امیر مؤمنان، در بازارهای کوفه، یکی یکی می‌گشت... و می‌فرمود: به رباخواری نزدیک نشوید و وزن و ترازو را تمام کنید. اموال مردم را کم ندهید و در زمین، به فساد سر بر مدارید (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۵۱ و شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۶).

و در یک گزارش تاریخی دیگر، احمد بن حنبل به نقل از عقبه بن ابی الصهباء ابو خریم باهلی می‌نویسد:

علی بن ابی‌طالب را در کناره علفزاری دیدم که از قیمت‌ها می‌پرسید (شیبانی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۵۴۷).

با وجود پیشنهادهایی برای واگذاری نظارت بر بازار به شخصی دیگر، حضرت تا زمانی که توان داشتند، علاوه بر نظارت ناظران، عمل نظارت را شخصاً انجام می‌دادند.

نظارت غیر مستقیم (بازرس و مخبر)

حکومت با گستردگی قلمرو و عدم امکان نظارت مستقیم ایشان، مستلزم سیستمی کارآمد برای نظارت و بازرسی بود. حضرت در مواردی والی یک منطقه را مأمور بازرسی می‌نمود؛ چنان‌که طی دستوری به مالک بن کعب ارحبی، والی عین التمر، مأموریت داد تا با گروهی از مأموران خود به بازرسی منطقه‌ای وسیع بپردازد و می‌فرماید:

کسی را به جانشینی خویش منصوب کن و با گروهی از یارانانت به سوی منطقه کوره السواد حرکت کن و از عملکرد کارگزارانم در نواحی بین دجله و غریب پرسش کن و بررسی دقیقی از وضعیت آنها به عمل آور (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۰۴).

هم‌چنین ایشان از «عیون» یا همان مأموران مخفی برای نظارت و بازرسی استفاده می‌کردند. به همین منظور، به والیان خود دستور می‌دادند تا افرادی امین و صادق را برای نظارت بر کارگزارانشان به کار گیرند. برای نمونه، در نامه‌ای به مالک اشتر چنین می‌نویسند:

«ثم تَفَقَّدْ أعمالهم، وابعث العيون من اهل الصدق و الوفاء عليهم» (فیض‌الاسلام اصفهانی، ۱۳۷۹، ج ۵، ص ۱۰۱۱).

در گزارشی آمده است که حضرت، ابوالاسود دوئلی را به منصب قضاوت گماشتند، اما در ساعات ابتدایی همان روز، او را از این سمت عزل کردند. ابوالاسود با شتاب نزد امام آمد و عرض کرد: به خدا سوگند، نه خیانتی کرده‌ام و نه فریب خورده‌ام. چرا مرا برکنار کردید؟ امام در پاسخ فرمودند: به من گزارش شده که هنگام داوری، صداقت از صدای دادخواهان بلندتر بوده است! (تستری، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۵۴۸).

در ابتدای بسیاری از نامه‌های ایشان به کارگزاران عبارتی مانند: «بلغنی» به چشم می‌خورد که به معنای «به من خبر رسیده است که تو...» می‌باشد (قرشی، ۱۴۲۹، ج ۱۰، ص ۴۳). این نشان می‌دهد که حضرت، حتی از احتمال فساد نیز آگاه می‌شدند و به آن رسیدگی می‌کردند و در راستای تحقق نظارت دقیق، معیارها و چارچوب‌هایی را برای گزینش افراد صالح و متعهد به عنوان ناظر و بازرس تعیین می‌فرمودند.

علاوه بر تأکید بر صلاحیت‌های فردی، حضرت ضرورت ایجاد زمینه‌های مناسب برای حفظ سلامت و تعهد ناظران را نیز مورد توجه قرار می‌داد. تأمین معیشت مناسب، از جمله اقداماتی بود که ایشان برای جلوگیری از انحراف ناظران از مسیر صحیح، ضروری می‌دانستند و در نامه‌ای به مالک اشتر چنین می‌نگارند:

پس روزی عاملان را فراخ دار! که فراخی روزی نیروشان دهد تا در پی اصلاح خود بر آیند و بی‌نیازشان سازد تا دست به مالی که در اختیار دارند، نگشایند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۳، ص ۶۰۵).

وظیفه ناظر، مراقبت مستمر از عملکرد مأموران و شیوه برخورد ایشان با مردم است. حضرت تأکید می‌فرمایند که این امر باید توسط بازرسان ویژه‌ای که به عنوان چشم

حکومت عمل می‌کنند، انجام پذیرد. هم‌چنین با ایجاد زمینه‌های رفاهی و معیشتی مناسب برای ناظران، انگیزه‌های لازم برای حفظ امانت و صداقت در ایشان تقویت می‌شود.

نظارت عمومی

در آموزه‌های اسلامی، دو فریضه خطیر و اثرگذار امر به معروف و نهی از منکر، همواره مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. یکی از مصادیق مهم امر به معروف و نهی از منکر، موضوع نظارت عمومی است که در دو حوزه حکومت و مردم قابل پیگیری است. نظارت مردم بر حکومت بر اساس دو اصل قرآنی و روایی «المؤمنون و المؤمنات بعضهم أولياء بعض يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنکر» (توبه(۹): ۷۱) و «کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیتة» (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۸۴)، واجب شرعی و تکلیف الهی است. موارد متعددی نقل شده است که گزارشاتی از تخلفات کارگزاران حکومتی به حضرت می‌رسید و حضرت بعد از بررسی‌ها ترتیب اثر می‌دادند. ایشان در پی درخواست‌های زنی یمنی به نام «سوده همدانی» مبنی بر ظلمی که از سوی فرماندار امام در همدان (از توابع یمن) به وی روا شده بود، به شکایت او ترتیب اثر داد و با احضار فرماندار، به بررسی دقیق موضوع پرداخت. در پی دریافت گزارشی دیگر، مبنی بر تخلف یکی از فرمانداران خویش، در نامه‌ای به وی، ضمن تذکر و هشدار، دستور دادند تا در اسرع وقت نسبت به ارائه حساب و کتاب اموال خود اقدام نماید. ایشان در این نامه تأکید فرمودند حسابرسی خداوند متعال، به مراتب سخت‌تر و دقیق‌تر از حسابرسی مردم خواهد بود (بحرانی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۵۲۵) و یا هنگامی که گزارش رسید عثمان بن حنیف به مهمانی اغنیا رفته، فرمودند:

«و ما ظننت انک تجیب الی طعام قوم عائلهم مجفو، و غنیهم مدعو»؛ خیال نمی‌کردم مهمان‌شدن به سفره قومی را قبول کنی که محتاج‌شان را به جفا می‌رانند و توانگرشان را به مهمانی می‌خوانند (هاشمی خویی، ۱۴۰۰ق، ج ۲۰، ص ۸۹).

از مجموع این گزارشات و نمونه‌های بسیار دیگر می‌توان دریافت که علاوه بر گزارش مخبرین حکومت، گزارشات مردمی و شکایات ایشان از مفاسد کارگزاران حکومت نیز سهم قابل توجهی را به خود اختصاص داده بود و حضرت پس از دریافت این گزارشات، با دقت نظر و بررسی‌های لازم، در صورت صحت گزارش، به آن‌ها ترتیب اثر می‌دادند و در جهت رفع فساد و تظلم‌خواهی مردم اقدام می‌نمودند.

مجازات‌های بازدارنده

بازدارندگی مجازات، یکی از مبانی اصلی فلسفه کیفری است که بر اساس آن، مجازات به عنوان ابزاری برای پیش‌گیری از جرم و جنایت در نظر گرفته می‌شود. با نگاهی به سیره امیر مؤمنان در می‌یابیم که ایشان در دوران حکومت خود با مفاسد اقتصادی به شدت برخورد می‌کردند و برای متخلفان مجازات‌های بازدارنده‌ای در نظر می‌گرفتند. این مجازات‌ها شامل تازیانه، مصادره اموال، تبعید و حتی اعدام بود. به عنوان آخرین موضع، حضرت علی علیه السلام خائنان و فاسدان اقتصادی را لعن و نفرین می‌کردند تا از جایگاه و منزلت اجتماعی خود ساقط شوند. برخی از مدیران فاسد تصور می‌کردند که حضرت به دلیل مشغله‌های فراوان، از فساد آن‌ها بی‌خبر است، اما زمانی که متوجه می‌شدند در اوج مشکلات حکومت، آن‌ها را زیر نظر دارند، از ترس برخورد قاطع ایشان، فرار می‌کردند. حضرت در قبال فرار این افراد، به مصادره اموال یا تخریب خانه‌هایشان دستور می‌دادند. در عهدنامه مالک اشتر، حضرت چنین می‌فرماید:

اگر یکی از کارگزاران خیانت کرد و گزارش بازرسان نیز آن را تأیید کرد، به همین گواهی اکتفا کن و او را با تازیانه کیفر بده. سپس اموالی که از بیت‌المال در اختیار دارد، از او بازپس بگیر. او را خوار و رسوا کن و به عنوان خائن، بر گردنش علامت بزن (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳ق، ج ۱، ص ۱۳۷).

جدول شماره ۱: نمونه‌هایی از برخوردهای امیرالمؤمنین با مفاسد اقتصادی

نام	منصب	جرم	مجازات
مُنذر بن جارود عبدي	والی اصطخر (از نواحی فارس)	خیانت در امانت اختلاس سوء استفاده از بیت‌المال	عزل فوری از منصب زندان (شوشتری)، ۱۳۷۶، ج ۸، ص ۱۰۸).
ابن هرمة	کارگزار حکومت ناظر بازار اهواز	تخلف مالی سوء استفاده از منصب و دریافت اموال از مردم (باج‌گیری)	عزل از منصب زندان، تشهیر و تازیانه ریختن آبرو (قاضی النعمان المغربي، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۵۳۲).
یزید بن حجیه	فرماندار حکومت ری و دستی	دست‌درازی به خراج برداشت سی هزار درهم از بیت‌المال	توبیخ - تازیانه - زندان (ری شهری، ۱۳۸۶، ج ۱۳، ص ۶۱۳-۶۱۱).
علی بن اصمغ باهلی	کارگزار و ناظر بازار از سوی امام علی <small>علیه السلام</small> در منطقه سَقَوَان بصره	سرقت	توبیخ - قطع دست (سید مرتضی، بی‌تا، ص ۱۶۳).

نقد و بررسی مقابله با مفاسد اقتصادی از زاویه راهبردهای حکومت علوی

با عنایت به راهبردهای حضرت علی علیه السلام در برخورد با مفاسد اقتصادی؛ یعنی اصل پیش‌گیری، نظارت و مجازات بازدارنده که برای مقابله با فساد اقتصادی ضروری هستند و با توجه به بررسی سابقه عملکردهای گذشته و حال نظام اسلامی در برخورد با مفاسد اقتصادی، در مورد هر یک از راهبردهای مذکور نکاتی قابل نقد می‌باشد.

پیش‌گیری

در این مجال، ابتدا به بررسی عوامل پیش‌گیرانه از فساد؛ به‌ویژه در حوزه آموزش و فرهنگ‌سازی پرداخته می‌شود، سپس نقش شفافیت اقتصادی و تأثیر آن در کاهش فساد

مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در نهایت، به مسأله نابرابری اقتصادی و تأثیر سیاست‌های مالیاتی بر کاهش فساد پرداخته خواهد شد.

ضعف در آموزش و فرهنگ‌سازی

پژوهش‌هایی که توسط مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه وابسته به جهاد دانشگاهی و سایر منابع منتشر شده‌اند، نشان می‌دهند فقدان آموزش‌های هدفمند در مقابله با فساد، یکی از علل اصلی رشد فساد اداری در ایران است. این پژوهش‌ها بر ضرورت فرهنگ‌سازی از طریق رسانه‌ها و نهادهای آموزشی تأکید دارند. دولت سیزدهم در تاریخ ۲۴ شهریور ۱۴۰۰، در اصول دوازده گانه خود، برای پیش‌گیری از فساد، بر تقویت فرهنگ فسادستیزی و توانمندسازی نیروی انسانی تأکید کرده است. بررسی این اصول نشان می‌دهد که کمبودهای جدی در بخش فرهنگ‌سازی و آموزش شناسایی شده است. برای بهبود این حوزه و رفع ضعف‌های موجود، می‌توان پیشنهادهای زیر را به صورت علمی و مشخص ارائه کرد:

تدوین برنامه‌های آموزشی جامع و استاندارد: ایجاد و تبیین دوره‌های آموزشی در باره فساد اقتصادی، شفافیت و اصول اخلاقی برای تمام سطوح جامعه می‌تواند در قالب دوره‌های رسمی مدارس، دانشگاه‌ها و حتی آموزش‌های عمومی در سطح رسانه‌های ملی ارائه شود.

توسعه آموزش‌های تخصصی برای مدیران و کارکنان دولت: ایجاد دوره‌های آموزشی تخصصی برای کارکنان و مدیران دولتی، تا با اصول مدیریت صحیح، نظارت و شفافیت در انجام وظایف خود آشنا شوند. این دوره‌ها باید به طور مداوم و با تأکید بر پیش‌گیری از فساد ارائه شود.

استفاده از رسانه‌ها برای فرهنگ‌سازی: بهره‌گیری از رسانه‌های عمومی و شبکه‌های اجتماعی برای ترویج فرهنگ مقابله با فساد و آموزش عمومی در باره آثار منفی فساد بر جامعه و اقتصاد.

توسعه برنامه‌های ارزیابی و سنجش اخلاق حرفه‌ای: پیاده‌سازی سیستم‌های ارزیابی منظم

برای سنجش اخلاق حرفه‌ای در سازمان‌ها و نهادها؛ به‌ویژه در دستگاه‌های دولتی؛ این سیستم‌ها می‌توانند به شناسایی و جلوگیری از رفتارهای غیر قانونی یا غیر اخلاقی کمک کنند. این پیشنهادها، با تکیه بر رویکردهای علمی و عملی، می‌تواند به تقویت آموزش و فرهنگ‌سازی در زمینه مقابله با مفاسد اقتصادی و کاهش این آسیب‌ها کمک شایانی کند.

فقدان شفافیت در نظام اقتصادی

فقدان شفافیت در نظام اقتصادی کشور، پدیده‌ای ریشه‌دار است که تبعات منفی متعددی برای اقتصاد و جامعه به همراه دارد. در نظام اقتصادی ایران، قوانین متعددی برای ارتقای شفافیت وضع شده است؛ مانند قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، مصوب سال ۱۳۸۸ که تکلیف دولت را برای انتشار طیف گسترده‌ای از اطلاعات؛ از جمله بودجه، قراردادهای و حقوق و مزایای کارکنان مشخص می‌کند. این قانون هم‌چنین فرآیندی را فراهم می‌کند که شهروندان بتوانند درخواست دریافت اطلاعات داشته باشند و در صورت عدم ارائه اطلاعات مورد نظر، نسبت به آن اعتراض کنند. با وجود این، نقاط ضعفی در آن مشهود است:

- تعاریف این قانون مبهم است و دامنه اطلاعات مشمول آن را به طور کامل مشخص نمی‌کند.
- استثنائات متعددی برای این قانون وجود دارد که به دولت اجازه می‌دهد اطلاعات را به دلایل امنیتی یا تجاری پنهان کند.
- قانون به طور کامل اجرا نشده است و آیین‌نامه‌های اجرایی آن نهایی نشده است.
- ضمانت اجرایی این قانون ضعیف است و مقامات دولتی به ندرت به دلیل عدم شفافیت مجازات می‌شوند.

عدم شفافیت در معاملات و عملکردهای مالی، زمینه را برای سوء استفاده و فساد فراهم می‌کند. برای مقابله با فقدان شفافیت، چند راهکار باید مد نظر قرار گیرد:

- دولت و نهادهای عمومی باید موظف به انتشار اطلاعات مربوط به فعالیت‌های اقتصادی خود از طریق انتشار عمومی اطلاعات مربوط به بودجه، قراردادهای، معاملات، مجوزها و گزارش‌های عملکرد دستگاه‌های دولتی و شرکت‌های وابسته باشند.

- سامانه‌های شفافیت باید به انتشار اطلاعات اقتصادی و نظارت بر عملکرد نهادها کمک کرده و دسترسی آنلاین به اطلاعات برای عموم اشخاص فراهم شود. تصویب و اصلاح قوانین مربوط به شفافیت؛ مانند قانون دسترسی آزاد به اطلاعات، ضروری است.
- نهادهای مدنی و رسانه‌ها باید بر عملکرد دولت نظارت کنند و نقش آن‌ها در این زمینه تقویت شده و از فعالیت‌های روزنامه‌نگاران و فعالان مدنی حمایت شود.

عدم توزیع عادلانه ثروت و امکانات

یکی از چالش‌های اساسی در نظام اقتصادی کشور، عدم توزیع عادلانه ثروت و امکانات است. ضریب جینی (Gini Coefficient) یک شاخص آماری است که برای اندازه‌گیری نابرابری در توزیع درآمد یا ثروت در یک جامعه استفاده می‌شود. این ضریب، عددی بین ۰ و ۱ (یا به صورت درصد بین ۰ و ۱۰۰) است: ضریب نزدیک به صفر نشان‌دهنده توزیع بسیار عادلانه درآمد است؛ یعنی همه افراد جامعه به طور مساوی از ثروت بهره‌مند هستند؛ درحالی‌که ضریب نزدیک به یک، نشان‌دهنده نابرابری شدید در توزیع درآمد است؛ یعنی درآمد یا ثروت در اختیار تعداد کمی از افراد قرار دارد.

بر اساس آمارهای منتشرشده توسط مرکز آمار ایران و بانک جهانی در سال‌های اخیر، ضریب جینی ایران به طور متوسط افزایش یافته است؛ به طوری که در سال ۱۴۰۱ به ۰،۳۸۷۷ و در سال ۱۴۰۲ به ۰،۳۹۷۹ رسیده است. این آمار نشان‌دهنده وجود نابرابری اقتصادی در جامعه ایران است. به عبارت دیگر، شکاف بین دهک‌های پردرآمد و کم‌درآمد وجود دارد و متأسفانه در حال افزایش است. این موضوع پیامدهای منفی متعددی؛ از جمله فقر، نابرابری اجتماعی، نارضایتی عمومی و... را به دنبال داشته است. برخی از سیاست‌های مؤثر در عدم توزیع عادلانه ثروت و امکانات عبارتند از:

- سیاست‌های مالیاتی ناعادلانه: فرار مالیاتی ثروتمندان، معافیت‌های مالیاتی برای افراد خاص، عدم تناسب مالیات‌ها با درآمد.
- سیاست‌های یارانه‌ای ناکارآمد: پرداخت یارانه به اقشار غیر نیازمند، هدمندنبودن یارانه‌ها، رانت و فساد در سیستم یارانه‌ای.

○ تمرکز ثروت در دست عده‌ای خاص: خصوصی‌سازی ناعادلانه، عدم وجود رقابت در بازار.

○ نابرابری‌های منطقه‌ای: تمرکز امکانات در شهرهای بزرگ، عدم توسعه مناطق محروم. جهت دستیابی به عدالت اجتماعی در حوزه اقتصاد، مبارزه جدی با فساد اقتصادی از طریق اصلاح ساختارها و قوانین موجود و تصویب قوانین جدید، گامی مؤثر در این مسیر به شمار می‌آید. ایجاد یک سیستم مالیاتی تصاعدی کارآمد که در آن، افراد با درآمد بالاتر سهم بیش‌تری از مالیات را پرداخت نمایند، می‌تواند منابع مالی مورد نیاز برای حمایت از اقشار کم‌درآمد جامعه را فراهم آورد. قانون مالیات‌های مستقیم که آخرین اصلاحات آن در دی‌ماه ۱۳۹۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، گام مهمی در جهت افزایش عدالت مالیاتی و اصلاح ساختار مالیاتی کشور محسوب می‌شود. این قانون با ایجاد تغییرات ساختاری در نظام مالیاتی، به دنبال تحقق عدالت مالیاتی و بهبود وضعیت مالیاتی کشور است.

مهم‌ترین نقاط قوت قانون مالیات‌های مستقیم:

- افزایش عدالت مالیاتی: اعمال نرخ‌های مالیاتی پلکانی و افزایش آن برای گروه‌های پردرآمد و کاهش آن برای اقشار کم‌درآمد.
- اصلاح ساختار مالیاتی: کاهش اتکا به درآمدهای نفتی و افزایش درآمد مالیاتی غیر نفتی.
- حمایت از تولید: کاهش نرخ مالیات بر فعالیت‌های تولیدی و صادراتی، با هدف افزایش انگیزه سرمایه‌گذاری در بخش تولید و ایجاد قدرت رقابت محصولات داخلی در بازار جهانی.

از مهم‌ترین نقاط ضعف قانون مالیات‌های مستقیم:

- پیچیدگی و عدم وجود ضمانت اجرا: این قانون بسیار پیچیده است و فهم آن برای مؤدیان مالیاتی دشوار است. این موضوع می‌تواند منجر به افزایش فساد و فرار مالیاتی شود. هم‌چنین اطلاعات کافی در مورد نحوه اجرای این قانون و نحوه استفاده از درآمدهای مالیاتی وجود ندارد. مضاف بر این‌که ضمانت‌های اجرایی قوی برای اجرای این قانون وجود ندارد.

○ محدودیت در گرفتن مالیات از ثروتمندان: این قانون نتوانسته مالیات‌های کافی از ثروتمندان اخذ کند. نرخ مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی و حقیقی در مقایسه با کشورهای دیگر بسیار پایین است. علاوه بر این، معافیت‌های مالیاتی زیادی برای ثروتمندان وجود دارد که منجر به کاهش سهم آن‌ها در پرداخت مالیات می‌شود.

○ عدم توجه به ثروت انباشته: قانون به ثروت انباشته توجهی ندارد و تنها درآمد جاری افراد را در نظر می‌گیرد.

○ فقدان مالیات بر عایدی سرمایه: قانون، مالیات بر عایدی سرمایه را که از افزایش ارزش دارایی‌ها؛ مانند املاک و مستغلات و سهام شرکت‌ها حاصل می‌شود، پیش‌بینی نکرده است. این موضوع منجر به این می‌شود که افراد با سرمایه‌گذاری در این دارایی‌ها می‌توانند سودهای کلانی به دست آورند، بدون این‌که مالیاتی از آن پرداخت کنند.

در کل می‌توان چنین گفت که تغییرات جدید در قانون مالیاتی ایران، گام بلندی در جهت اصلاح نظام مالیاتی کشور و افزایش عدالت مالیاتی است. با این حال، این قانون نقاط ضعفی دارد که باید اصلاح شود. ضروریست قوانین مالیاتی؛ مانند مالیات بر ثروت برای خانه‌های لوکس و خودروهای گران‌قیمت، مالیات بر عایدی سرمایه، مالیات بر مجموع درآمد تکمیل شده و به اجرا در آید.

نظارت

در جمهوری اسلامی ایران تعداد قابل توجهی از سیستم‌ها و سازمان‌های نظارتی وجود دارند که بر عملکرد قوای مختلف، بخش خصوصی و جامعه مدنی نظارت می‌کنند و مهم‌ترین نهادهای نظارتی عبارتند از:

➤ سازمان بازرسی کل کشور (قوه قضاییه): زیر نظر رئیس قوه قضاییه فعالیت می‌کند و وظایف آن شامل نظارت بر حسن اجرای قوانین در دستگاه‌های اداری است.

➤ دیوان محاسبات (مجلس شورای اسلامی): وظایف آن شامل رسیدگی به تخلفات مالی و تصویب بودجه کل کشور است.

► کمیسیون اصل نود (مجلس شورای اسلامی): وظایف آن شامل رسیدگی به شکایات مردم از دستگاه‌های دولتی و عمومی است.

► بازرسی کل نهاد ریاست جمهوری (دفتر ریاست جمهوری): وظایف آن شامل نظارت بر حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در نهاد ریاست جمهوری است. برای تشکیل هر یک از این نهادها، اساسنامه و قوانینی تدوین شده است که شرح وظایف و اختیارات آن‌ها را بیان می‌کند. به عنوان نمونه، قانون تشکیلات و وظایف سازمان بازرسی کل کشور در سال ۱۳۶۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و از آن زمان تاکنون چندین بار مورد اصلاح و بازنگری قرار گرفته است. این قانون، وظایف و اختیارات سازمان بازرسی کل کشور را در زمینه نظارت بر حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری مشخص می‌کند. علی‌رغم اصلاحات انجام شده در این قانون، هم‌چنان بعضی از ایرادات پابرجاست: در ماده ۱ این قانون،^۱ سازمان بازرسی کل کشور، زیر نظر رئیس قوه قضاییه قرار دارد. این امر می‌تواند تا حدی استقلال این سازمان را در انجام وظایف نظارتی خود؛ به‌ویژه در قبال قوه قضاییه، تحت‌الشعاع قرار دهد. ماده ۲ آن،^۲ دستگاه‌های مشمول بازرسی توسط سازمان بازرسی کل کشور را به طور کلی بیان می‌کند. با این حال، در مورد برخی از دستگاه‌ها؛ مانند نهادهای نظامی و انتظامی، ابهاماتی در خصوص صلاحیت سازمان بازرسی کل کشور برای بازرسی از آن‌ها وجود دارد. هم‌چنین ماده ۱۰ این قانون، فرآیند رسیدگی به تخلفات کشف‌شده توسط سازمان بازرسی کل کشور را در دستگاه‌های قضایی تبیین می‌کند و این فرآیند، طولانی و پیچیده است و می‌تواند به اطاله دادرسی و تضییع حقوق افراد منجر شود.

قانون دیوان محاسبات کشور نیز در سال ۱۳۶۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و هدف آن نظارت و کنترل بر حسن اجرای قوانین مالی و بودجه‌ای در کلیه دستگاه‌های دولتی؛ اعم از وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی است. برخی از منتقدان معتقدند دیوان محاسبات کشور از استقلال کافی برای انجام وظایف خود برخوردار نیست و به دلیل وابستگی به مجلس شورای اسلامی، ممکن است در انجام

وظایف خود تحت فشار قرار گیرد. در ماده ۹ این قانون،^۳ دیوان محاسبات موظف به تفریغ بودجه کل کشور شده است،^۴ اما با گسترش روزافزون حجم و پیچیدگی بودجه، انجام این وظیفه به طور کامل و دقیق برای دیوان دشوار شده است. در مجموع، با در نظر گرفتن کل این مجموعه‌ها و سازمان‌ها، به نظر می‌رسد با چالش‌های اساسی روبه‌رو هستیم. از جمله:

○ **ضعف در ساختار نظارتی:** ساختار نظارتی موجود در کشور چندپاره و ناکارآمد است و هماهنگی لازم بین دستگاه‌های نظارتی وجود ندارد.

○ **فقدان استقلال نهادهای نظارتی:** برخی از نهادهای نظارتی از استقلال کافی برخوردار نیستند و در معرض نفوذ و فشار قرار دارند.

○ **کمبود ناظران متخصص و متعهد:** تعداد ناظران متخصص و متعهد کافی نیست و نظارت به طور کامل انجام نمی‌شود.

○ **فقدان سیستم‌های نظارتی الکترونیکی:** استفاده از سیستم‌های نظارتی الکترونیکی برای رصد و پایش فعالیت‌های اقتصادی به طور کامل انجام نمی‌شود.

برای برطرف کردن چالش‌های موجود، نیازمند اقدامات و اصلاحاتی هستیم. از قبیل:

- تشکیل شورایی متشکل از نمایندگان عالی رتبه قوای سه‌گانه و نهادهای نظارتی با وظایف سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و نظارت بر عملکرد کلی نظام نظارتی کشور.

- تعیین یک نهاد به عنوان متولی اصلی هماهنگی و یکپارچه‌سازی فعالیت‌های نظارتی، به منظور انسجام و جلوگیری از موازی‌کاری.

- تقویت و ارتقای ظرفیت‌های تخصصی، فنی و مالی نهادهای نظارتی برای انجام وظایف خود به طور مؤثر و کارآمد.

- ایجاد سامانه‌های مشترک اطلاعاتی به منظور اشتراک‌گذاری اطلاعات و داده‌های نظارتی بین نهادهای ذیربط.

- تدوین و ابلاغ دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های مشترک برای ایجاد وحدت رویه در نظارت و ارزیابی عملکرد دستگاه‌ها.

- ایجاد فضای اعتماد و همکاری متقابل بین نهادهای نظارتی برای تبادل اطلاعات و تجارب و جلوگیری از رقابت‌های ناسالم.

● استفاده از فناوری‌های نوین؛ مانند هوش مصنوعی و بلاک‌چین برای ارتقای کارایی و اثربخشی نظارت و رصد و پایش فعالیت‌ها و پیش‌گیری از بروز فساد.

مجازات بازدارنده

علی‌رغم این‌که ضرورت و اهمیت بازدارنده‌بودن مجازات بر همگان روشن است، ولی در صحنه عمل، با چالش‌هایی روبه‌رو هستیم که باید راهکار لازم برای گذر از این چالش‌ها، بررسی و مورد تبیین قرار گیرد.

چالش‌ها

بررسی چالش‌ها و ارائه راهکارهای مناسب برای آن‌ها، امری ضروری است که می‌تواند نقش بسزایی در ارتقای کارآمدی نظام قضایی و کاهش مفاسد اقتصادی ایفا کند. از جمله مهم‌ترین چالش‌های پیش روی نظام کیفری در مقابله با جرایم اقتصادی، می‌توان به عدم تناسب مجازات با جرم، فقدان قاطعیت در برخورد با مفسدان و طولانی‌شدن فرآیند رسیدگی به پرونده‌های اقتصادی اشاره کرد. این عوامل موجب کاهش اثرگذاری مجازات‌ها شده و در نتیجه استمرار جرایم اقتصادی و کاهش اعتماد عمومی به توانایی نظام قضایی در مبارزه با فساد را به دنبال داشته‌اند. در ادامه، این چالش‌ها با جزئیات بیشتری مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

عدم تناسب مجازات با جرم

مجازات‌های فعلی برای جرایم اقتصادی؛ مانند جریمه‌های نقدی، در مقایسه با منافع حاصل از جرم، ناچیز هستند و بازدارندگی کافی ایجاد نمی‌کنند. مجرمان اغلب این جرایم را به دلیل سود هنگفتی که به دست می‌آورند، با علم به جریمه‌های ناچیز انجام می‌دهند. قانون ارتشا، اختلاس و تصرف در اموال عمومی، مصوب ۱۳۶۷ از جمله قوانین اصلی در زمینه جرایم اقتصادی است. این قانون با وجود قدمتی که دارد، در طول زمان با چالش‌ها و انتقاداتی روبه‌رو بوده است. به عنوان مثال، ماده ۱ این قانون^۵ برای مرتکبین رشوه، مجازات حبس از یک تا پنج سال و جزای نقدی معادل دو برابر

وجه یا مال یا متاع اخذشده در نظر گرفته است. این مجازات در برخی موارد برای جرایم جزئی رشوه کافی به نظر می‌رسد و در مقابل، برای جرایم بزرگ رشوه؛ چه از نظر مقدار و چه از نظر ماهیت و شکل عقوبت، مجازات سنگینی محسوب نمی‌شود. هم‌چنین ماده ۲ نیز^۶ برای مرتکبین اختلاس، مجازات حبس از دو تا ده سال و جزای نقدی معادل دو برابر وجه یا مال یا متاع اختلاس‌شده در نظر گرفته است. این مجازات برای جرایم بزرگ اختلاس، مجازات سنگینی محسوب نمی‌شود. این مجازات در مقایسه با برخی جرایم دیگر؛ مانند محاربه که مجازات اعدام را به دنبال دارد، به عنوان جرمی «سبک» تلقی می‌شود و انگیزه لازم برای بازدارندگی را ایجاد نمی‌کند.

فقدان قاطعیت در برخورد با مفسدان

در برخی موارد با مفسدان اقتصادی؛ خصوصاً دانه درشت‌ها به طور قاطع برخورد نمی‌شود و این موضوع زمینه را برای تکرار و گسترش فساد فراهم می‌کند. نفوذ مفسدان در ساختارهای قدرت و ثروت، وابستگی‌های سیاسی و اقتصادی، فقدان اراده قاطع در سطوح بالای مدیریتی و سیاسی، ملاحظات سیاسی، جناحی و شخصی و ترس از عواقب برخورد با مفسدان، از جمله موانع اراده قوی و قاطعیت در مبارزه با فساد هستند. هم‌چنین قوانین و مقررات ناقص و بعضاً متناقض، فرآیندهای پیچیده و بروکراتیک و عدم وجود سازوکارهای مناسب برای مبارزه با فساد، قاطعیت در برخورد با مفسدان را با چالش روبه‌رو می‌کند.

طولانی‌شدن فرآیند رسیدگی به جرایم اقتصادی

فرآیند رسیدگی به جرایم اقتصادی در بیش‌تر موارد طولانی و فرسایشی است و این موضوع به نفع مفسدان اقتصادی است. کندی رسیدگی به پرونده‌های مفاسد اقتصادی بخشی از آن، به‌خاطر ضعف ساختاری؛ از جمله قوانین ناقص و متناقض، کمبود قاضی متخصص، عدم وجود تشکیلات تخصصی و بخش دیگری از آن به دلیل ضعف عوامل انسانی؛ مانند فساد در سیستم اداری، عدم عزم و اراده جدی مسئولان، فشارهای سیاسی و اجتماعی می‌باشد. در این‌جا از باب نمونه، به دو مورد از مواد قانونی که

قابلیت سوء استفاده دارند، مورد اشاره قرار می‌گیرد:

ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری:^۷ طبق این اصل، هر شخص تا زمانی که مجرمیت او به طور قانونی به اثبات نرسیده، بی‌گناه تلقی می‌شود. متهمان در پرونده‌های مفاسد اقتصادی می‌توانند با طرح ایرادات واهی، درخواست‌های متعدد و واهی، طرح مسائل فرعی و انکار اتهامات، از این اصل برای تأخیر در روند رسیدگی سوء استفاده کنند.

ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری:^۸ این ماده به محکوم‌علیه اجازه می‌دهد در صورت وجود شرایطی خاص، از دیوان عالی کشور درخواست اعاده دادرسی کند. برخی افراد سودجو از این ماده سوء استفاده می‌کنند و با طرح درخواست‌های اعاده دادرسی متعدد و غیر موثق، روند رسیدگی به پرونده را به تأخیر می‌اندازند.

راهکارها

ارائه راهکارهای مؤثر برای رفع چالش‌های موجود، گامی اساسی در بهبود عملکرد نظام قضایی و مقابله با مفاسد اقتصادی به شمار می‌رود. در این راستا اصلاح قوانین، تسریع در فرآیند رسیدگی قضایی، افزایش شفافیت و اجرای قاطعانه احکام، از جمله تدابیری هستند که می‌توانند بازدارندگی مجازات‌ها را تقویت کرده و از گسترش فساد جلوگیری کنند. بر این اساس، راهکارهای عملی برای بهبود بازدارندگی مجازات‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اصلاح قوانین و مقررات

قوانین مربوط به مجازات مفاسد اقتصادی باید به‌روز و متناسب با شرایط جامعه باشد. در حال حاضر ممکن است قوانین موجود ناکافی باشند و نتوانند با جرایم جدید اقتصادی؛ مانند جرایم سایبری به طور مؤثری مقابله کنند. لذا باید آن‌ها را اصلاح و تکمیل نمود. از طرفی اصلاح قوانین کیفری در راستای افزایش بازدارندگی و تناسب مجازات با جرم، نیازمند توجه به دو نکته است: اولاً: شدت مجازات باید با نوع و درجه جرم و فساد تناسب داشته باشد. دوماً: مجازات باید با شرایط و ویژگی‌های مرتکب جرم تناسب داشته باشد.

تسریع در رسیدگی به پرونده‌های قضایی

این امر، نه تنها به بازگرداندن اعتماد عمومی به دستگاه قضایی کمک می‌کند، بلکه از تکرار جرایم مشابه نیز جلوگیری می‌کند. برخی از پیشنهادات برای تسریع در این روند عبارتند از:

- **تخصیص منابع بیش‌تر:** اختصاص بودجه کافی برای تجهیز دادگاه‌ها، استخدام قضات و کارشناسان متخصص و ایجاد زیرساخت‌های لازم برای رسیدگی سریع‌تر به پرونده‌ها.
- **تشکیل دادگاه‌های ویژه:** ایجاد دادگاه‌های تخصصی برای رسیدگی به پرونده‌های مفاسد اقتصادی می‌تواند به تمرکز بیش‌تر بر این نوع پرونده‌ها و تسریع در رسیدگی کمک کند.
- **به‌روزرسانی قوانین:** بازنگری و اصلاح قوانین مرتبط با مفاسد اقتصادی؛ به‌گونه‌ای که روند رسیدگی را تسهیل کند و مجازات‌های بازدارنده‌تری را در نظر بگیرد.
- **ساده‌سازی تشریفات دادرسی:** کاهش تشریفات پیچیده دادرسی و حذف مراحل غیر ضروری می‌تواند به تسریع روند رسیدگی کمک کند.

- **صدور احکام قاطع و صریح:** در بسیاری از موارد، پرونده‌های اختلاس و سوء استفاده از بیت‌المال به دلیل پیچیدگی پرونده، نفوذ افراد قدرتمند و یا فشارهای سیاسی با طولانی شدن روند رسیدگی و صدور احکام سبک مواجه شده‌اند و یا پرونده‌های پولشویی به دلیل ماهیت پیچیده و بین‌المللی، اغلب با مشکلاتی در شناسایی و پیگیری اموال حاصل از جرم مواجه می‌شوند که مانع از صدور احکام قاطع و صریح می‌گردد. برای افزایش قاطعیت و صراحت احکام در مجازات مفاسد اقتصادی، باید به اصلاح قوانین و مقررات، تشدید مجازات‌ها، تخصیص کردن رسیدگی، افزایش سرعت و دقت در رسیدگی توجه داشت.

- **قاطعیت در اجرای احکام مفسدان اقتصادی:** اجرای قاطع احکام قضایی در پرونده‌های فساد اقتصادی، نه تنها یک ضرورت، بلکه یک مطالبه جدی است. متأسفانه در سال‌های اخیر، چندین پرونده اختلاس از صندوق‌های بازنشستگی در ایران مطرح شده است. با وجود صدور احکام قضایی مبنی بر بازگرداندن اموال اختلاس‌شده، در بسیاری از موارد، مبالغ هنگفتی از این اموال هم‌چنان به صورت بلا تکلیف باقی مانده و به صندوق‌های بازنشستگی باز گردانده نشده است. پرونده‌های زمین‌خواری در برخی از مناطق کشور؛ به ویژه در حاشیه کلان‌شهرها، از جمله پرونده‌های پرشمار و پیچیده‌ای است

که با عدم قاطعیت در اجرای احکام روبه‌رو بوده است. در برخی از پرونده‌های فساد در حوزه نفت و گاز، افراد متنفذ و دارای قدرت سیاسی دخیل بوده‌اند که باعث شده روند رسیدگی به این پرونده‌ها طولانی گشته و اجرای احکام با تأخیر و یا به صورت ناقص صورت گیرد. در برخی موارد، افراد محکوم به فساد در این حوزه، پس از مدتی کوتاه آزاد شده و به فعالیت‌های اقتصادی خود ادامه داده‌اند. قاطعیت در اجرای احکام، پیام روشنی به مجرمان می‌فرستد که فساد اقتصادی عواقبی ناگوار دارد. هم‌چنین این امر، متضمن بازگشت اموال نامشروع به بیت‌المال و جبران خسارات وارده به مردم خواهد بود.

جدول شماره ۲: راهبردها، راهکارها، توصیه‌ها

راهبردهای علوی	راهکارهای علوی	توصیه‌ها و رهیافت‌ها
پیش‌گیری	فرهنگ‌سازی و آموزش از طریق ترویج فرهنگ قناعت، ساده‌زیستی و عدالت و تقویت ایمان و تقوا، شایسته‌سالاری در انتخاب افراد برای مناصب حکومتی، شفافیت در تصمیمات و عملکردهای حکومت، عدالت در توزیع ثروت و امکانات	<ul style="list-style-type: none"> ■ ایجاد نظام جامع آموزشی جهت ترویج ارزش‌های اخلاقی و استفاده از ظرفیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد، فعالان مدنی و هنری و رسانه‌ای ■ اصلاح قوانین مربوط به شفافیت ■ ایجاد و تکمیل سامانه‌های شفافیت جهت انتشار اطلاعات اقتصادی و نظارت بر عملکرد دولت و نهادها ■ اصلاح نظام مالیاتی کشور و افزایش عدالت مالیاتی از طریق مالیات بر ثروت برای خانه‌های لوکس و خودروهای گران‌قیمت، مالیات بر عایدی سرمایه، مالیات بر مجموع درآمد ■ تصویب قوانین ضد انحصاری و اتخاذ سیاست‌های مناسب ■ اصلاح و تقویت شورای رقابت به عنوان مرجع اصلی رسیدگی به تخلفات ضد رقابتی

<p>■ تشکیل شورایی متشکل از نمایندگان عالی‌رتبه قوای سه‌گانه و نهادهای نظارتی با وظایف سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و نظارت بر عملکرد کلی نظام نظارتی کشور</p> <p>■ نظارت مستقیم به طور شخصی بر بازار، به عنوان یکی از رکن‌های اصلی سیاست‌های اقتصادی،</p> <p>■ افزایش تعداد ناظران متخصص و متعهد بازارس و مخبر، نظارت عمومی در کنار نصب بازارس و جاسوس، استفاده از ظرفیت گزارشات مردمی</p> <p>■ ایجاد سازوکارهای پاسخ‌گویی به منظور پاسخ‌دهی نهادهای نظارتی به مردم و مراجع ذیصلاح.</p> <p>■ ایجاد سامانه‌های هوشمند برای رصد و پایش فعالیت‌ها و پیش‌گیری از بروز فساد</p>	<p>نظارت مستقیم به طور شخصی بر بازار، به عنوان یکی از رکن‌های اصلی سیاست‌های اقتصادی،</p> <p>نظارت غیر مستقیم از طریق بازارس و مخبر، نظارت عمومی در کنار نصب بازارس و جاسوس، استفاده از ظرفیت گزارشات مردمی</p>	<p>نظارت و بازارسی</p>
<p>■ اصلاح قوانین کیفری در راستای افزایش بازدارندگی و تناسب مجازات با جرم</p> <p>■ ایجاد تشکیلات تخصصی و مستقل برای رسیدگی به جرایم اقتصادی کلان</p> <p>■ تسریع در رسیدگی به پرونده‌های قضایی از طریق کاهش ورودی پرونده‌ها با اصلاح قوانین و هم‌چنین تقویت کمی و کیفی نیروی انسانی و کادر قضایی</p> <p>■ صدور احکام قاطع، سریع و صریح</p> <p>■ قاطعیت در اجرای احکام مفسدان اقتصادی؛ خصوصاً مفسدان کلان و دانه‌درشت</p>	<p>برخورد قاطع و بدون اغماض با متخلفان؛ خصوصاً دانه‌درشت‌ها، تناسب مجازات با جرم و تخلف صورت‌گرفته، رسیدگی سریع به جرایم اقتصادی و صدور فوری حکم، اجرای سریع حکم در حلق مجرم و اطلاع‌رسانی آن به مردم از طریق تشهیر و...</p>	<p>مجازات بازدارنده</p>

نتیجه‌گیری

برای مبارزه با فساد اقتصادی، می‌بایست به مانند رویکرد حکومت علوی در مبارزه با مفساد، ریشه‌ها و زمینه‌های فساد را نشانه گرفت و با جامعیت به آن نگریست. برنامه‌های آموزشی موجود در زمینه پیش‌گیری از مفساد اقتصادی، فاقد انسجام و هماهنگی لازم بین دستگاه‌ها و نهادهای مختلف بوده و به صورت پراکنده و غیر هدفمند اجرا می‌شوند. عدم انتشار شفاف و جامع اطلاعات مربوط به بودجه و عملکرد مالی دولت، شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی، همراه با عدم شفافیت در اعطای مجوزها و رانت‌های اقتصادی، نبود نظارت کافی بر فعالیت‌های اقتصادی و پنهان‌کاری در مورد پرونده‌های فساد اقتصادی، همگی از مصادیق بارز فقدان شفافیت در نظام اقتصادی کشور محسوب می‌شوند. عواملی چون سیاست‌های تورمی، ناکارآمدی سیاست‌های تجاری، مالیاتی ناعادلانه و یارانه‌ای، تمرکز ثروت در دست عده‌ای خاص، نابرابری‌های منطقه‌ای و فساد گسترده، باعث توزیع ناعادلانه ثروت و امکانات شده‌اند. ساختار نظارتی چندپاره و ناکارآمد کشور نیز به دلیل فقدان استقلال نهادهای نظارتی، بر این معضلات دامن زده است. برای مقابله مؤثر با این مشکلات، باید به الگوی حکمرانی علوی رجوع کرد و با اتخاذ راهبردهای پیش‌گیرانه، نظارتی و مجازات بازدارنده، اصلاحات اساسی را در نظام اقتصادی و اجتماعی کشور به انجام رساند. در زمینه پیش‌گیری، باید با تأکید بر آموزش و فرهنگ‌سازی، تلاش شود تا یک نظام جامع شکل گیرد که شامل برنامه‌های آموزشی در سطوح مختلف تحصیلی، دوره‌های تخصصی و آموزش‌های عمومی باشد. این نظام باید در راستای ترویج ارزش‌های اخلاقی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های جامعه طراحی شود. مباحث مرتبط با مفساد اقتصادی، علل و پیامدهای آن باید در کتاب‌های درسی گنجانده شود و آموزش‌های عمومی نیز از طریق رسانه‌ها ارائه گردد. هم‌چنین با همکاری سازمان‌های مردم‌نهاد، فعالان مدنی و استفاده از ظرفیت‌های هنری و رسانه‌ای، باید فرهنگ سالم اقتصادی ترویج شود تا زمینه‌های بروز فساد از بین برود. هم‌چنین باید به شفافیت در نظام اقتصادی به عنوان یکی از ابزارهای مهم پیش‌گیری از فساد، توجه ویژه‌ای داشت. با ایجاد سامانه‌های شفافیت جهت اطلاع‌رسانی عمومی در باره عملکرد نهادهای

نظارتی، ارائه گزارش‌های دوره‌ای به مردم در باره فعالیت‌ها و دستاوردهای این نهادها، ایجاد سازوکارهای پاسخ‌گویی به منظور پاسخ‌گویی نهادهای نظارتی به مردم و مراجع ذی‌صلاح و استفاده از فناوری‌های نوین؛ مانند هوش مصنوعی برای ارتقای کارایی و اثربخشی نظارت، می‌توان گامی مؤثر در جهت ایجاد شفافیت بیش‌تر برداشت. با اتخاذ سیاست‌های مناسب همچون ایجاد سیستم‌های مالیاتی تصاعدی که در آن، افراد ثروتمند مالیات بیش‌تری بپردازند، منابع مالی لازم برای حمایت از اقشار کم‌درآمد جامعه فراهم می‌شود. هم‌چنین با تصویب قوانین ضد انحصار و اتخاذ سیاست‌هایی که رانت و انحصار در اقتصاد کشور را محدود کند، می‌توان از تمرکز ثروت در دست افراد و شرکت‌های خاص جلوگیری کرد. در زمینه اجرای راهبرد نظارتی، به منظور رفع چالش‌های موجود، انجام برخی اقدامات و اصلاحات ضروری است. از جمله تشکیل شورایی متشکل از نمایندگان عالی‌رتبه قوای سه‌گانه و نهادهای نظارتی با وظیفه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و نظارت بر عملکرد کلی نظام نظارتی کشور، تعیین یک نهاد به عنوان متولی اصلی هماهنگی و یکپارچه‌سازی فعالیت‌های نظارتی برای ایجاد انسجام و جلوگیری از موازی‌کاری، تقویت و ارتقای ظرفیت‌های تخصصی، فنی و مالی نهادهای نظارتی؛ به منظور انجام وظایف خود به‌طور مؤثر و کارآمد، ایجاد سامانه‌های مشترک اطلاعاتی جهت اشتراک‌گذاری داده‌های نظارتی بین نهادهای مرتبط، تدوین و ابلاغ دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های مشترک؛ به منظور ایجاد وحدت رویه در نظارت و ارزیابی عملکرد دستگاه‌ها و هم‌چنین ایجاد فضای اعتماد و همکاری متقابل بین نهادهای نظارتی برای تبادل اطلاعات و تجربیات و جلوگیری از رقابت‌های ناسالم. ضرورت اتخاذ رویکردی بازدارنده در مقابله با جرایم اقتصادی نیز مبرهن و غیر قابل انکار است. نظیر بازننگری و اصلاح قوانین کیفری؛ به منظور افزایش میزان بازدارندگی و تناسب مجازات‌ها با جرایم ارتكابی، تسریع در روند رسیدگی‌های قضایی از طریق اصلاح قوانین موجود و تصویب قوانین جدید، تقویت زیرساخت‌های قضایی با افزایش تعداد قضات و کارکنان متخصص، تجهیز دادگاه‌ها به امکانات مدرن، صدور احکام قاطع و شفاف و هم‌چنین اجرای دقیق و بدون تأخیر آن‌ها؛ به منظور ایجاد بازدارندگی در میان مجرمان بالقوه، افزایش اعتماد عمومی به دستگاه قضایی و کاهش نرخ تکرار جرایم.

یادداشت‌ها

۱. ماده ۱: به منظور نظارت بر حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری و در اجرای اصل ۱۷۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سازمانی به نام سازمان «بازرسی کل کشور» که در این قانون به اختصار «سازمان» نامیده می‌شود، زیر نظر رئیس قوه قضاییه و با اختیارات و وظایف مندرج در این قانون تشکیل می‌شود (اصلاحی مصوب ۱۳۸۷/۴/۱۷).
۲. وظایف و اختیارات سازمان به شرح زیر می‌باشد: (اصلاحی مصوب ۱۳۹۳/۷/۱۵).

الف) بازرسی و نظارت مستمر کلیه وزارتخانه‌ها و ادارات و امور اداری و مالی دادگستری، سازمان‌ها و دستگاه‌های تابعه قوه قضاییه و نیروهای نظامی و انتظامی و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آن‌ها و دفاتر اسناد رسمی و مؤسسات عام‌المنفعه و نهادهای انقلابی و سازمان‌هایی که تمام یا قسمتی از سرمایه یا سهام آنان متعلق به دولت است یا دولت به‌نحوی از آنها بر آن‌ها نظارت یا کمک می‌نماید و کلیه سازمان‌هایی که شمول این قانون نسبت به آن‌ها مستلزم ذکر نام آن‌ها است، بر اساس برنامه منظم (اصلاحی مصوب ۱۳۹۳/۷/۱۵).
۳. ماده ۹: دیوان محاسبات کشور مستقیماً زیر نظر مجلس شورای اسلامی می‌باشد و در امور مالی و اداری استقلال داشته و اعتبار مورد نیاز آن با پیشنهاد دیوان مذکور، پس از تأیید کمیسیون دیوان محاسبات و بودجه مجلس شورای اسلامی جداگانه در لایحه بودجه کل کشور منظور می‌شود....
۴. ماده ۸: تجزیه و تحلیل لایحه تفریغ بودجه ارسالی از طرف قوه مجریه بر اساس نتایج حاصل از بررسی‌ها، رسیدگی‌ها و یا حسابرسی‌های انجام‌شده و تهیه و ارائه گزارش حاوی نظرات به مجلس شورای اسلامی.
۵. ماده ۱: هرکس از راه حیله و تقلب، مردم را به وجود شرکت‌ها یا تجارتخانه‌ها یا کارخانه‌ها... علاوه بر رد اصل مال به صاحبش، از دو تا ده سال و انفصال ابد از خدمات دولتی و پرداخت جزای نقدی، معادل مالی که اخذ کرده است، محکوم می‌شود.
۶. ماده ۲: هرکس به نحوی از انحاء امتیازاتی را که به اشخاص خاص به جهت داشتن شرایط مخصوص تفویض می‌گردد، نظیر جواز صادرات و... علاوه بر رد اصل مال، به مجازات سه ماه تا دو سال حبس و یا جریمه نقدی، معادل دو برابر مال به‌دست‌آمده محکوم خواهد شد.
۷. ماده ۴: اصل، برائت است. هرگونه اقدام محدودکننده، سالب آزادی و ورود به حریم خصوصی

اشخاص، جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی مجاز نیست و در هر صورت، این اقدامات نباید به گونه‌ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند.

۸. ماده ۴۷۴: درخواست اعاده دادرسی در مورد احکام محکومیت قطعی دادگاه‌ها؛ اعم از آن که حکم مذکور به اجرا گذاشته شده یا نشده باشد، در موارد زیر پذیرفته می‌شود:

الف) کسی به اتهام قتل شخصی محکوم شود و سپس زنده بودن وی محرز گردد.

ب) چند نفر به اتهام ارتکاب جرمی محکوم شوند و ارتکاب آن جرم به گونه‌ای باشد که نتوان بیش از یک مرتکب برای آن قائل شد.

پ) شخصی به علت انتساب جرمی محکوم شود و فرد دیگری نیز به موجب حکمی از مرجع قضایی به علت انتساب همان جرم محکوم شده باشد؛ به طوری که از تعارض و تضاد مفاد دو حکم، بی‌گناهی یکی از آنان احراز گردد.

ت) در باره شخصی به اتهام واحد، احکام متفاوتی صادر شود.

ث) در دادگاه صالح ثابت شود که اسناد جعلی یا شهادت خلاف واقع گواهان، مبنای حکم بوده است.

ج) پس از صدور حکم قطعی، واقعه جدیدی حادث یا ظاهر یا ادله جدیدی ارائه شود که موجب اثبات بی‌گناهی محکوم علیه یا عدم تقصیر وی باشد.

چ) عمل ارتكابی جرم نباشد یا مجازات مورد حکم بیش از مجازات مقرر قانونی باشد.

منابع و مأخذ

* قرآن کریم.

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، قم: منشورات مکتبه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۲. ابن حیون مغربی، نعمان، دعائم الاسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضا یا و الأحکام، ج ۲، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۳۸۵ق.
۳. ابن شعبه حرانی، حسن، تحف العقول عن آل الرسول، ج ۱، تهران: نشر اسلامی، ۱۳۶۳.
۴. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، محمدحسین آشتیانی و هاشم رسولی محلاتی، ج ۲، قم: نشر علامه، ۱۳۷۹.
۵. بحرانی، کمال‌الدین میثم، اختیار مصباح السالکین، ج ۱، مشهد مقدس: آستان قدس رضوی (علیه السلام)، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۶۶.

۶. تستری، قاضی نورالله، احقاق الحق و ازهاق الباطل، ج ۸، قم: مکتبه آیه‌الله المرعشی نجفی، ۱۴۰۹ق.
۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد، غرر الحكم و درر الکلم، شرح سیدجمال‌الدین محدث، ج ۳، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۸. دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، قم: انتشارات اجود، ۱۳۸۹.
۹. دیلمی، حسن بن محمد، ارشاد القلوب، ج ۱، قم: منشورات الشریف الرضی، ۱۴۱۲ق.
۱۰. ری شهری، محمدمهدی، دانش‌نامه امیرالمؤمنین علیه السلام بر پایه قرآن و حدیث و تاریخ، ج ۱۳، تهران: مؤسسه علمی - فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۸۶.
۱۱. سید مرتضی، ابوالقاسم علی، تنزیه الانبیاء، قم: منشورات رضی، بی‌تا.
۱۲. سیفی مازندرانی، علی‌اکبر، ولایة الفقیه و ما يتعلق بها (دلیل تحریر الوسيلة للإمام الخمينی علیه السلام)، ج ۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۶.
۱۳. شوشتری، محمدمتقی، بهج الصباغة فی شرح نهج البلاغة، ج ۸، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۶.
۱۴. شیبانی، احمد، فضائل الصحابة، ج ۱، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۳ق.
۱۵. شیخ طوسی، محمد، تهذیب الاحکام، ج ۷، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۱۶. طبرسی، حسن، مکارم الاخلاق، قم: شریف رضی، ۱۴۱۲ق.
۱۷. طبری، ابن جریر، تاریخ طبری، ج ۵، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۸۷۹ق.
۱۸. طبری، محب‌الدین، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی علیهم السلام، ج ۳، قم: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۲۸ق.
۱۹. فیض الاسلام اصفهانی، علی‌نقی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، ج ۵، تهران: تألیفات فیض الاسلام، ۱۳۷۹.
۲۰. قاضی النعمان المغربی، ابوحنیفه نعمان تمیمی، دعائم الإسلام، ج ۲، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، ۱۳۸۵ق.
۲۱. قرشی، شیخ باقر شریف، موسوعة الإمام أميرالمؤمنین علی بن أبی طالب علیه السلام، ج ۱۰، قم: مؤسسه الكوثر للمعارف الإسلامیه، ۱۴۲۹ق.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، مصحح: علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، ج ۵، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۲۳. کورانی‌العاملی، علی، جواهر التاريخ، ج ۱، قم: انتشارات دارالهدی، ۱۴۲۵ق.

۲۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۳۳، قم: دار الاحیاء التراث، ۱۴۰۳ق.
۲۵. مجلسی، محمدباقر، مرآة العقول، ج ۲۶، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۴ق.
۲۶. مطهری، مرتضی، یادداشت‌های استاد مطهری، ج ۷، تهران: صدرا، ۱۳۸۵.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر، نهج البلاغه با ترجمه فارسی روان، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۸۴.
۲۸. نوری، حسین، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، ۱۴۰۸ق.
۲۹. هاشمی خویی، حبیب‌الله، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه، مترجم: حسن زاده آملی و دیگران، ج ۱۷ و ۲۰، تهران: مکتبه الإسلامیة، ۱۴۰۰ق.
۳۰. یعقوبی، احمد، تاریخ یعقوبی، ج ۲، تهران: دار صادر، بی‌تا.